

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

محسن رضوانی
۱۲ جولای ۲۰۲۰

مبارزه میان دو طبقه: سرمایه‌دار و کارگر

سرنوشت ایران را تنها طبقه کارگری تواند ریشه‌ی تغییر دهد و جامعه نوینی را جایگزین کند. حضور روزانه کارگران در اعتصابات، تظاهرات و در زندان‌ها از یکسو و طرح بدیل کارگری در جامعه از سوی دیگر، این امر را به یک واقعیت اجتناب ناپذیری تبدیل کرده است. به همین دلیل در این روزها مبارزه‌ای آشکار بین دو خط مشی و دوراه در کلیه زمینه‌ها حادث شده است.

از زمان انتشار مانیفست حزب کمونیست که طبقه کارگر به عنوان یک طبقه آگاه، برنامه سیاسی طبقاتی خود را در حزبی متشکل و پیشرو، سوسیالیسم اعلام کرد و مارکس و انگلس تأکید کردند که کمونیست‌ها هیچ گاه عقاید خود را پنهان نمی‌کنند، نزدیک دو قرن می‌گذرد. از آن زمان تا به حال این طبقه و احزاب سیاسی پیشرو آن در انجام این وظیفه تاریخی مبارزه به اشکال گوناگون و در کشورهای مختلف را علیه بورژوازی به پیش برده‌اند. تجربه این مبارزات نشان می‌دهد؛ حل تضاد میان دو طبقه بورژوازی و طبقه کارگر امری است که به آسانی به پیروزی دست نیافته و حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر باید افکار عمومی به ویژه کارگران و توده‌های وسیع ستمدیدگان را برای به سرانجام رساندن این وظیفه فراهم سازد.

به صد سال گذشته مبارزه طبقاتی در ایران نگاهی بیندازیم. بورژوازی برخاسته از جامعه دو سه هزار ساله ایران به طور عمده کمپرادور و بوروکراتیک در خدمت سرمایه جهانی امپریالیستی عمل کرده است و نمایندگان سیاسی حاکم آن، دیکتاتوری مطلقه‌ای بس خشن نسبت به طبقه کارگر و احزاب و سازمان‌های آن اعمال کرده‌اند. کافی است به وضع کنونی این طبقه بیست میلیونی که با خانواده بیش از نیمی از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند نگاهی اندازیم آنها نه تنها میلیون‌ها خانواده کارگری را به خاک سیاه نشانده‌اند، امروز هم شدیدتر از هر زمان دیگر به توطئه گری علیه این طبقه و احزاب و نهادهای طرفدار آنها مشغولند. طبقه بورژوازی ایران پتیاره‌ای است با هزار چهره کریه.

* روزی در شکل سرباز قزاق روس در می‌آید و طبق برنامه سیاسی لرد کرزن انگلیس در برابر خطر بلشویسم در ایران پرچم ناسیونالیسم را بلند می‌کند،

* روزی دیگر کودتای امریکائی علیه "مصدق" را قیام ملی می‌خواند و سرکوب نیروهای چپ و کمونیست را بار دیگر عملی می‌کند،

* روزی دست در دست امپریالیسم سلطنت را برمی‌دارد و خلیفه‌گری را جایگزین می‌کند،

امروز طبقه کارگر و احزاب و سازمان‌های طرفدار آن با اوضاع بغرنجی روبه رو هستند. بورژوازی و بخشی از خرده بورژوازی در صحنه سیاسی چه در درون حاکمیت چه در بیرون آن با هرگونه تغییر به سود طبقه کارگر مخالفند. سرمایه جهانی هم در سمت آنها ایستاده است و برای رژیم پنج در چارچوب نظام سرمایه‌داری تلاش می‌کند. اما این بار طبقه کارگر از لحاظ کمی و کیفی تغییرات اساسی کرده است. نیروهای کمونیستی و چپ در این صد سال گذشته از خود گذشتگی‌های فراوانی نشان داده‌اند با این که در نبردهای پی در پی با بورژوازی شکست خورده‌اند اما هر بار رفقای خود را به خاک سپرده، خون‌ها را پاک کرده‌اند و با درس‌گیری از اشتباهات بادرایت‌تر عمل کرده‌اند. در دهه گذشته طبقه کارگر با خود سازماندهی در جریان مبارزه روزانه و ایجاد یک گرایش مقاومت و مبارزه مستقل از سطح کارخانه‌ها، مؤسسات و شهرک‌های صنعتی که در سطح جهان نمونه است و گرایش عمومی احزاب و سازمان‌های چپ به آنها، این طبقه را به بدیل راستین برای تغییر ریشه‌ای جامعه تبدیل کرده است. افشای تجربه طومار ۶۰۰۰ امضاء نمونه ایست از درایت و هوشیاری نمایندگان واقعی کارگران در صحنه مبارزه.

در اوضاع کنونی ایران رژیم حاکم با بحران ساختاری سیاسی و اقتصادی شدیدی روبه روست. طبقه کارگر ایران با تمام سرکوب‌های شدید دایمی ایستاده و برای کسب حقوق خود مبارزه می‌کند. در این چهل سال گذشته به خصوص پس از سرکوب خونین تشکلات کمونیستی و انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی خود را گرایش راست وابسته به امپریالیسم آمریکا می‌داند. اما با تبدیل شدن طبقه کارگر به عنوان یک حرکت اجتماعی بزرگ این وضع به خصوص پس از خیزش آبانماه [عقرب] ۹۸ تغییر کرده است. مبارزات طبقه کارگر در اعتراضات و اعتصابات پی در پی، مقاومت و ایستادگی پیشروان این طبقه در زندان‌ها، رشد هر چه بیشتر گرایش یکی شدن و اتحاد میان حرکت‌های کارگری به ویژه ایجاد پیوندی گسترده‌تر میان تشکلات کارگری و دیگر تشکلات اجتماعی چون معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و مهمتر پیوستن زنان و خانواده‌های کارگران به اعتصاب کنندگان و اعتراض کنندگان امروز طبقه کارگر ایران به نیروی اصلی تغییر در جامعه تبدیل شده است. با توجه به این وضع است که ما با حرکت موازی سازی و طومار جمع کنی توسط نیروهای امنیتی ایران علیه جنبش کارگری روبه رو هستیم.

جلوگیری از رادیکال شدن جنبش کارگری این روزها به وظیفه اصلی حکومت تبدیل شده است. این سیاست نقطه مشترک بورژوازی ضد کارگری ایران و امپریالیسم و دارودسته ترمپ در کاخ سفید هم هست.

درست به خاطر چنین وضعیتی است که مبارزه میان دو خط مشی در درون جنبش کارگری و به طو کلی در کل جامعه نمایان‌تر شده است. حزب رنجبران ایران به عنوان گردانی از این جنبش کارگری صد ساله از پیشروان طبقه که در دفاع از منافع راستین طبقه ایستاده اند و با هرگونه رویزونیسم و رفرمیسم مبارزه کرده اند پشتیبانی کرده است. حزب رنجبران ایران خود را جدا از این طبقه ندانسته و نمی‌داند. هرچه جنبش کارگری به سوی سازماندهی بدیل سیاسی خود گام بردارد بورژوازی و احزاب و سازمانهای آن بیشتر دست به توطئه می‌زنند، اما طوفان عظیم مبارزه طبقاتی هر روز بیشتر توده‌های وسیع کارگران را به مبارزه می‌کشاند، توده‌های ستم‌دیده بیشتر به دور طبقه کارگر جمع می‌شوند. این حرکت تاریخی را دیگر هیچ نیروی قادر به جلوگیری نیست.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

مرگ بر امپریالیسم

پیروز باد بدیل انقلابی کارگری

زنده باد سوسیالیسم